

تحلیلی بر شیوه‌های برخورد با ناهنجاریهای رفتاری کودکان و نوجوانان



اشاره:

کودکان و نوجوانان، نیروی فعال هر خانواده و جامعه محسوب می‌شوند که تربیت صحیح و هدایت درست و به موقع آنها، باید سرلوحه همه امور زندگی اولیاء قرار گیرد. در هر جامعه، بزهکاریها و ناسازگاریهای وجود دارد و هر فرد در مراحل مختلف رشد و تحول جسمی و روانی - از دوره کودکی تا کهنسالی - افت و خیزهای زیادی را پشت سر می‌گذارد. یکی از انواع بزهکاریها و ناهنجاریهای رفتاری افراد بطور عام و کودکان و نوجوانان بطور خاص، پدیده شوم و ناپسند "دزدی یا سرقت" است. (افروز، ۱۳۷۴)

نگارنده در این مقال ضمن تعریف سرقت و انواع آن، سعی کرده است عوامل مؤثر در سرقت کودکان و نوجوانان را تحلیل کند و مراحل مبارزه، پیشگیری و درمان آن را همراه با عملی‌ترین اقدامات مؤثر برای کاهش سرقت بیان نماید.

تعریف سرقت:

یکی از ناهنجاریهای رفتاری رایج در میان انسانها، بویژه کودکان و نوجوانان در جوامع مختلف دنیا، سرقت یا دزدی است که به صورت‌های مختلف بروز می‌کند.

متخصصان تعلیم و تربیت، روان‌شناسان و مددکاران اجتماعی، تاکنون تعاریف زیادی درباره سرقت، علل و عوامل، پیگیری و درمان آن ارائه کرده‌اند که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود.

سرقت یک واژه عربی است که در زبان فارسی به معنی دزدی یا بردن اموال دیگری است (برهان قاطع، جلد ۲، صفحه ۸۵۰) و در فرهنگ لاروس، سرقت به معنی ربودن آمده و بیشتر به خصیصه پنهانی بودن انجام یک عمل توجه شده است.

سرقت از نظر اصطلاحی نیز تعریفهای

مختلفی دارد. مثلاً در فرهنگ معین، به گرفتن و بردن مال و پول کسی با زور و مکر و فریب، سرقت گفته می‌شود و در قانون حدود و قصاص، سرقت عبارت از این است که انسان، مال دیگری را بطور پنهانی بریاید (ماده ۲۱۲ قانون حدود و قصاص جمهوری اسلامی ایران).

در احکام دین مقدس اسلام، دزدی به عملی گفته می‌شود که ضمن آن فرد اموال دیگری را بدون اطلاع و رضایت صاحب آن، بریاید. این عمل در اسلام فعل حرام محسوب می‌شود. همچنین اگر فرد یا افرادی شیء و یا مال متعلق به فرد یا افراد دیگری را به صورت پنهانی بردارند و آن را مخفی نمایند تا به

مالکیت خود درآورند، دزدی صورت گرفته است.

بدین ترتیب می‌توان گفت که دزدی، کوششی است برای به دست آوردن هرچیز با ارزش برای فرد بردارنده، که به رغم مواظبت و پاسداری شخص یا اشخاصی ربوده می‌شود و حتی گاه با اعمال زور، تهدید یا خشونت و احتمالاً با قربانی شدن صاحبان اموال به دست می‌آید. (شکاری، ۱۳۷۴).

- ۱- دزدی هوشیارانه
- ۲- دزدی احمقانه
- ۳- دزدی انتخابی

۴- دزدی انفرادی یا دسته‌جمعی

۵- دزدی بدون قید و شرط

به نظر نگارنده، دزدی براساس مراحل رشد و تحول جسمی و عقلی افراد به دو نوع تقسیم می‌شود که عبارت است از:

الف: دزدی کودکان و نوجوانان: اغلب به

کوشش مخفیانه افراد زیر سن ۱۵ و ۱۶ سال گفته می‌شود که اموال دیگران را به نیت‌های مختلف می‌ربایند. بطور مثال دانش‌آموزان به قصد حسادت و آزاررسانی به شاگرد ممتاز کلاس، دفتر ریاضی و دیکته او را برمی‌دارند و یا نوجوانان بزهکار به قصد ابراز مخالفت و تنسیخ طلبی، اموال اداری مدرسه را می‌ربایند.

ب: دزدی جوانان و بزرگسالان: دزدی‌های

بزرگسالان بالاخص جوانان، به کوشش‌های پنهانی گفته می‌شود که از طریق ربودن اموال دیگران به هدف‌های شوم خود از قبیل سودجویی بیش از اندازه، ایجاد اختلال در امنیت جامعه، رفع نیازهای فردی و اجتماعی و ... می‌رسند. غالباً دزدی جوانان و بزرگسالان، علل و عواملی متفاوت با دزدی کودکان و نوجوانان دارد. بدین ترتیب می‌توان گفت که معمولاً افراد یک روزه - در یک زمان کوتاه - به اختلالات رفتاری مختلف، از جمله سرقت، مبتلا نمی‌شوند و طبعاً یک روزه هم درمان نخواهند شد، به طوری که اغلب دزدان کارکشته و جنایتکار بزرگسال امروز، همان دزدان کودک و نوجوان ناشی و ناتوان دیروز

انواع سرقت:

دزدی افراد بویژه کودکان و نوجوانان انواع گوناگون دارد. مثلاً برخی سرقت را براساس نیاز سارق به دو صورت زیر تقسیم می‌کنند.

الف - دزدی‌هایی که به منظور رفع نیازمندی‌های فردی و جسمانی انجام می‌گیرد. بطور مثال: بیجه گرسنه از مغازه محله، بیسکویت یا کیک برمی‌دارد.

ب - دزدی‌های بیمارگونه‌ای که فرد بدون نیاز به یک شیء آن را برمی‌دارد. مثلاً کودکی که توپ فوتبال دارد، ولی عین همان توپ را از دوست خود می‌رباید؛ یا فردی که اغلب به دزدی وسوسه می‌شود. (اقتباس از صفدری و دیگران ۱. CD.9).

برخی دیگر سرقت را براساس شیوه دزدی سارق تقسیم‌بندی می‌کنند که عبارتند از:

- ۱- سرقت ساده که بدون توسل به زور، انجام می‌شود.
 - ۲- سرقت با توسل به زور و تهاجم که بطور فردی و یا دسته‌جمعی (باند) اتفاق می‌افتد.
- دکتر نادری و نراقی، براساس شرایط روانی و محیطی فرد، دزدی را به پنج دسته تقسیم کرده‌اند:



تربیت صحیح و عاقلانه، ناهنجاریهای رفتاری او را اصلاح نمود.

۲- نیاز اجتماعی: گاهی کودک یا نوجوان به دلیل نداشتن یک شیء مورد علاقه، مجبور به دزدیدن آن شیء می شود. مثلاً کودکی که عروسک قشنگ یا تفنگ صوتی و نوری بچه همسایه را می رباید و یا نوجوانی که از جیب پدر یا سایر اعضای خانواده و یا از مغازه محله پول برمی دارد تا بتواند شیء مورد علاقه اش را تهیه کند، درست است که اموال دیگری را بدون اجازه برداشته است و این کار دزدی محسوب می شود، اما اگر دقت کنیم متوجه خواهیم شد که "محرومیت" کودک از اشیاء و وسایل مورد نیاز و علاقه اش، موجب شده است که دست به چنین کار زشتی بزند. مطالعات نشان داده است که در چنین مواردی، اگر نیاز اجتماعی کودک و نوجوان بزهکار

هستند و لذا این ضرب المثل که: "تخم مرغ دزد، شتر دزد می شود"، سخن بیهوده ای نیست. علل و عوامل مؤثر در دزدی کودکان و نوجوانان:

دزدیهای کودکان و نوجوانان یعنی در دوره های پیش دبستانی، دبستانی و متوسطه، علل و عوامل متعددی دارد که به برخی از آنها اشاره می شود.

۱- عدم رشد عقلانی: با توجه به اینکه کودک رشد جسمانی و روانی کافی ندارد و هنوز به مرحله شناخت دقیق محیط پیرامون خود نرسیده و با منطق و اخلاق حاکم بر جامعه، آشنا نشده است، ممکن است به اعمالی دست بزند که از نظر اولیاء و مربیان و بزرگسالان جامعه، دزدی محسوب شود. در چنین مواردی راه اصلاح این است که در درجه اول به تربیت خانوادگی و اولیه کودک توجه کرد و علت آن را مورد مطالعه قرارداد و سپس از طریق تأدیب و

- محرومیت از اشیاء - برطرف شود، دیگر دزدی نخواهد کرد. همچنین شایسته است که علاوه بر رفع محرومیت، به تقویت مقاومت و ارادهٔ کودک و نوجوان در خود نگهداری از خواستها و نیز تأمین نیازهای روانی و جسمانی اولیهٔ کودک از طرق ممکن و مشروع، اقدامات اساسی صورت گیرد.

گونه دزدی کودکان و نوجوانان به این دلیل است که آنها می‌خواهند خود را بزرگتر از آنچه هستند، نشان دهند و برای خود "قدرت خیالی" بسازند و یا اینکه خود را "زرنگ و تیزهوش" نشان دهند. آنها می‌خواهند از طریق برداشتن اموال دیگری، "تشخص طلبی" کنند و بگویند که از دست من هم کاری ساخته است و می‌توانم اموالی را به دست آوردم و یا دیگران را اذیت کنم.

۳ - پرخاشگری بزرگسالان: زمانی که کودک یا نوجوان، شیئی را گم یا تلف کرده است و حس می‌کند که اگر بخواهد مسأله را با والدین خود در میان بگذارد، تنبیه می‌شود، برای فرار از تنبیه و سرزنش بزرگسالان و قرار نگرفتن در موقعیت آزاردهنده، تلاش می‌کند به نحوی معادل آن را از طریق غیرمنطقی فراهم کند و یا پولی را از هر راه ممکن به دست آورد تا آن شیء را بخرد و مورد آزار و اذیت بزرگسالان قرار نگیرد.

راه اصلاح در چنین مواردی این است که به کودک یا نوجوان تفهیم شود که او بر اثر چنین عملی نه تنها در نزد دیگران به منزلی نخواهد رسید و متشخص نخواهد شد، بلکه برعکس، تحقیر هم می‌شود و از نظر آنها بزهکار شناخته خواهد شد. نوجوان باید بداند که اعمال ناشایست او سبب بدنامی‌اش در زمان حال و آینده می‌شود.

بنابراین در چنین مواردی ملاحظه می‌شود که گاهی ترس از پرخاش و تنبیه بزرگسالان، از علل اصلی چنین سرقت‌هایی محسوب می‌شود و عامل سرقت کم سن و سالی فرد یا محرومیت خاص نیست.

۵ - انگیزهٔ کودک: مطالعات نشان می‌دهد که گاه دزدی به خاطر تملک اشیاء صورت می‌گیرد، بویژه هنگامی که شخص به آنها نیاز داشته باشد (نادری، صفحه ۱۲۹). لذا یکی دیگر از علل دزدی کودکان و نوجوانان می‌تواند ارضای حس تملک باشد که بیشتر جنبهٔ غریزی دارد و فرد را وادار به دزدی می‌کند.

در این زمینه تحقیقات نشان داده است که در بسیاری موارد دزدی در نوجوانان یک عمل انتقامی است و ممکن است اصولاً نیازی به شیء دزدیده شده نباشد (نادری، صفحه ۱۲۹).

۶ - کمبود محبت و خودکم‌بینی: عقدهٔ حقارت یا احساس کهنتری می‌تواند عامل دزدی خردسالان محسوب شود، چراکه محرومیت از محبت موردنیاز کودک و نوجوان، زمینه‌ساز فشارهای روانی و ایجاد تنش و اضطراب می‌گردد. گاهی مشاهده می‌شود که کودک وسایل درسی یکی از اعضای خانوادهٔ خود را

۴ - ابراز وجود: یکی از نیازهای روانی فرد، ابراز وجود یا نشان دادن خود به دیگران است و لذا گاهی کودکان و نوجوانان به قصد ارضای نیاز ابراز وجود، دست به دزدی می‌زنند. این

برمی‌دارد تا مورد توجه قرار گیرد و از او بخواهند که شیء دزدیده شده را برگرداند. در نتیجه کودک از طریق دزدیدن اموال دیگران، می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. در چنین مواردی کودک از طریق دزدی، احساس کمتری خود را به احساس برتری تبدیل می‌نماید.

بنابراین نیاز کودکان و نوجوانان به محبت باید به نحو شایسته و بدون افراط و تفریط ارضا گردد تا از بروز چنین ناهنجاریهای رفتاری پیشگیری شود.

صاحب‌نظران علوم مختلف از جمله روان‌شناسان معتقدند که دلیل تفاوت در میزان دزدی در دو جنس مؤنث و مذکر این است که مردان پرخاشگرتر از زنان هستند و این پرخاشگری خود در افزایش میزان دزدی پسران و مردان تأثیر می‌گذارد.

از نظر زیست‌شناسان، دلیل تفاوت این است که جنس مذکر، قدرت جسمانی و تحرک بیشتری نسبت به زنان و دختران دارد و این قدرت جسمانی و تحرک بیشتر، در افزایش میزان دزدی در میان مردان و پسران مؤثر است. و از نظر جامعه‌شناسان و مددکاران اجتماعی، دلیل تفاوت این است که جنس مؤنث بیشتر تمایل به دزدی وسایل کوچک و ظریف دارد، در حالی که پسران و مردان بیشتر تمایل به سرقت وسایل بزرگ مثل دوچرخه، اتومبیل، وسایل منزل و ... دارند.

۷ - تنوع طلبی و شکم‌پرستی: توجه به این نکته لازم است که از نظر اخلاقی به فردی دزد اطلاق می‌شود که در عین آگاهی از قبح عمل، دست به آن کار می‌زند، در حالی که گاهی ممکن است یک کودک صرفاً به دلیل دستیابی به یک میوه کمیاب و آشنایی با طعم و مزه آن اقدام به برداشتن میوه بدون اجازه بزرگترها کند، چراکه او براساس اندیشه کودکانه‌اش همه آنچه را که در خانه است از آن خود می‌داند و نیازی نمی‌بیند که در این مورد از کسی اجازه بگیرد.

۹ - تقلید و همانندسازی: عنصر الگویی و تقلید در تعلیم و تربیت از اهمیت خاصی برخوردار است. بنابراین پدران و مادرانی که حق و حقوق دیگران را رعایت نمی‌کنند و در مقابل چشمان کودک خود به اموال دیگری دستبرد می‌زنند و این امر را کم‌اهمیت جلوه می‌دهند، عامل مهمی برای دزدی کودکان محسوب می‌شوند. مثلاً وقتی که در موقع خرید میوه یا ... بدون اجازه صاحب فروشگاه کمی از آنها را برداشته، به دهان خود و بدتر از

۸ - سن و جنس: تحقیقاتی که تاکنون انجام شده نشان داده است که دزدی در کودکان کمتر از ۴ و ۵ ساله نسبتاً نادر است، چون بعد از این سنین است که مالکیت (مال من، مال تو) برای کودک معنا می‌یابد (نادری، صفحه ۱۲۹). لذا می‌توان گفت که دزدی با سن افراد ارتباط دارد. همچنین در مطالعات دیگری نشان داده شده است که نه تنها سن افراد و رشد و تحول عقلی آنها در افزایش و کاهش سرقت مؤثر است، بلکه جنسیت افراد هم بر میزان و نوع سرقت، تأثیر می‌گذارد. در این زمینه "بالی" معتقد است



عدم ابراز وجود کافی، تشخیص طلبی، انزواگرایی، احساس حقارت، انتقام‌گیری از والدین و بزرگترها، تأمین مایحتاج اولیه و نیازهای روزمرهٔ کودک و نوجوان و ... می‌تواند در زمینه‌سازی و تغییر نوع سرقت از دزدی ساده و بچگانه به دزدی پیچیده و مسلحانه و نیز افزایش میزان سرقت، مؤثر باشد.

در این زمینه جان بابلی، روان‌شناس انگلیسی تحقیقی در مورد کودکان دزد و کودکان ناسازگار بدون سابقهٔ دزدی، انجام داده است. او در این تحقیق نشان داده که کودکان دزد؛ بی‌صبر، کم‌عاطفه و عمدتاً کسانی هستند که در کودکی طعم محبت را نچشیده‌اند. او دزدی کودکان را مولود نقص تربیتی در دوران شیرخوارگی و اختلال رفتاری مادر می‌داند و معتقد است که بی‌مهری و خشونت والدین در برآوردن نیازهای اولیهٔ طفل در این امر تأثیر داشته است.

همچنین از ۴۴ نفری که مورد مطالعهٔ بابلی قرار گرفتند، ۱۴ نفر آنها یتیم بودند و بقیه بدون استثنا یا به علت بیماری و بستری شدن در بیمارستان مدتها از خانوادهٔ خود دور بوده و یا

آن به دهان فرزندشان می‌گذارند!!، با این عمل، به طور خودآگاه یا ناخودآگاه پایه‌گذار فعل حرام و زشت دزدی در کودکان می‌شوند. وسایل ارتباط جمعی (راديو، تلویزیون، سینما، ویدئو و ...) نیز در رشد و گسترش این نوع بزهکاریها مؤثر هستند. بطور مثال، فیلمها و کتابهای جنایی و پلیسی که جزئیات سرقت را بازگو می‌کنند، خود عامل مهمی در بدآموزی و ارائهٔ روشهای دزدی و سایر اعمال ناشایست اجتماعی و اخلاقی به کودکان و نوجوانان و حتی بزرگسالان محسوب می‌گردند، که شایسته است از این گونه بدآموزیها پیشگیری شود.

بنا بر تحقیقات انجام شده، حدود ۳۰٪ از دزدان اعلام کرده‌اند که تحت تأثیر رفتارهایی قرار داشته‌اند که در کوچه، خیابان و محله شاهد آن بوده‌اند و نیز به تقلید از دوستان ناباب، محیطهای آلوده به بزهکاری و فساد و باندهایی که در آن عضویت داشته‌اند، مرتکب عمل دزدی شده‌اند. با توجه به مطالب بیان شده به این نتیجه می‌رسیم که عدم رشد کافی عقلانی، جسمانی و ذهنی و مسائلی از قبیل خودنمایی، برتری‌طلبی، محرومیت اجتماعی،

مشاوران، روان‌شناسان و مددکاران اجتماعی ارائه می‌شود.

۱- در حد امکان سعی شود نیازهای مادی کودک و نوجوان بالاخص نیازهای غذایی آنها برطرف گردد.

۲- کودکان و نوجوانان را به درس خواندن، بازی کردن و سرگرم شدن به تفریحات سالم مانند بازی فوتبال، والیبال، بسکتبال، شنا و ... تشویق نمایید.

۳- حتی الامکان سعی کنید اوقات فراغت بچه‌های خود را از طریق شرکت آنان در اردوهای فرهنگی- تربیتی تابستانی و نروزی و شرکت در دوره‌های آموزشی مختلف مثل خیاطی، ماشین‌نویسی، گلدوزی، رانندگی، آشپزی، تندخوانی، آموزش کامپیوتر، کلاسهای زبان، کلاسهای تقویتی و ... به تناسب جنسیت، پر کنید.

۴- اگر به دزدی کودک یقین دارید، دیگر از او سؤال نکنید، بلکه در پی کشف علت آن باشید تا امکان درمان و کاهش سرقت او فراهم شود.

۵- اگر کودکی دزدی کرد، در همان لحظه به او تذکر دهید (فائمی، تربیت و بازسازی کودک) و دلایل زشتی آن را برشمارید و اظهار تأسف خود را آشکار کنید. مثلاً به او بگویید: "چه کار زشت و ناپسندی انجام داده‌ای." یا از طریق بیان دلایل محکم، به تناسب سن عقلی و تقویمی کودک ناهنجار، وارد شوید. مثلاً بگویید: "شما که عروسک یا پول هم‌کلاسی خود را برداشته‌ای؛ تحمل برداشته شدن عروسک یا پول خود را خواهی داشت؟"

۶- سعی کنید عدم اطمینان خود را به او نشان ندهید. برخی از اولیاء برای جلوگیری از

آنکه همیشه مورد سرزنش والدین قرار داشته‌اند. کودکی که مورد تنبیه واقع شده است درصدد جبران و انتقام برمی‌آید و برای تسکین خویش، لوازم مورد احتیاج فردی را که او را سرزنش یا تنبیه کرده است برمی‌دارد تا وی را ناراحت کند و بدین وسیله انتقام خود را بگیرد. (شکاری، روان‌شناسی تربیتی، صفحه ۹۸).

مراحل کاهش و درمان سرقت:

به طور خلاصه برای تشخیص، تحلیل، تعلیل و کاهش سرقت، مراحل زیر پیشنهاد می‌شود.

مرحله اول: مرحله تشخیص مشکل و شناخت نوع و میزان سرقت افراد است.

مرحله دوم: مرحله تحلیل سرقت و بررسی عوامل مؤثر در آن است.

مرحله سوم: مرحله ایجاد ارتباط عاطفی و تأثیرگذار میان کودک مسأله‌دار با مشاور، مربی و اولیاء است.

مرحله چهارم: مرحله استفاده از شیوه‌ها و روشهای اصلاحی است که به منظور کاهش و درمان سرقت صورت می‌گیرد.

مرحله پنجم: مرحله ایجاد زمینه مناسبی است که با توجه به مراحل قبل بتوان عوامل مؤثر بر سرقت را از بین برد.

مرحله ششم: مرحله جلب اعتماد کودک یا نوجوان، استمرار در ابراز صداقت و صمیمیت نسبت به او و نیز آگاه کردن وی به نتایج عملکرد ناشایست خود از طریق طرح نمونه‌های مشابه است.

در پایان مقاله راه‌کارهای عملی و تربیتی و نیز اقدامات تأمینی و تأدیبی، برای آشنایی و استفاده اولیای محترم دانش‌آموزان، مربیان،

گستاخ می شود.

۹- وقتی با کودک سارق روبرو می شوید، می توانید بر نکات مثبت و قابل ستایش شخصیت و منش وی تأکید کنید و از طرح نکات منفی و ناپسند او پرهیز نمایید.

۱۰- اخذ غرامت در برخی از موارد مؤثر است. مثلاً در مورد کودکی که پول برادر یا خواهرش را برداشته است، می توانید پول هفتگی او را کم کنید و به برادر یا خواهرش بدهید. (قائم، ۱۳۷۲). با این روش کودک به اهمیت و حساسیت موضوع بیشتر پی می برد.

۱۱- در برخورد با کودکان و نوجوانان، شایسته است به سه نکته اساسی اخلاقی، یعنی صداقت، عدالت و شجاعت در رفتار خود و فرزندانان توجه داشته باشید.

۱۲- برای حل سریعتر و کاملتر مشکل کودکان و نوجوانان، با مشاوران تربیتی، روان‌شناسان، روان‌پزشکان و متخصصان تعلیم و تربیت مشورت کنید.

احمد، راهنمای طبقه‌بندی بیماری I.C.D.9.

۷- فرهنگ لاروس.

۸- قائمی، علی، تربیت و بازسای کودکان، ۱۳۷۴.

۹- قائمی، علی، خانواده و دشواریهای رفتاری کودکان، ۱۳۷۲.

۱۰- قانون حدود و قصاص جمهوری اسلامی ایران

۱۱- مجله تربیت، سال هشتم، شماره دوم.

۱۲- معین، فرهنگ معین.

۱۳- نادری، عزت‌الله... نراقی، مریم، اختلالات رفتاری کودکان و روشهای اصلاح و ترمیم آن، نشر بدر، ۱۳۷۰.

دزدی فرزندان خود سعی می‌کنند تمام اطاقها و گنجها را قفل کنند یا دائماً کودک را سرزنش می‌کنند و می‌گویند: "من به دقت شما را زیر نظر دارم (اقتباس از مجله تربیت، سال هشتم، شماره ۲).

۷- به این اصل توجه داشته باشید که مشکلات اخلاقی، تربیتی و روانی، یکروزه ایجاد نمی‌شوند و یکروزه هم درمان نمی‌گردند. به عبارت دیگر علل و شرایط گوناگونی باعث بروز یک نوع اختلال رفتاری در زمانها و مکانهای متفاوت می‌شود و همچنین درمان و کاهش یک نوع اختلال رفتاری تابع ایجاد شرایط مساعد تربیتی و اخلاقی بلند مدت خواهد بود.

۸- حتی‌الامکان سعی شود از تنبیه بدنی پرهیز گردد؛ چون تنبیه بدنی، آثار آنی و کوتاه مدت دارد و از نظر شرعی، خالی از اشکال نیست و از همه مهمتر، ترس کودک از مجازات و کیفر نیز کاهش می‌یابد و نسبت به تنبیه‌کننده

منابع:

۱- افروز، غلامعلی، روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.

۲- دانش، تاج‌زمان، مجرم کیست و جرم‌شناسی چیست.

۳- شکاری، عباس، مقاله "آیا فرزند شما پرخاشگر است؟" نشریه پیوند، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، آذرماه ۱۳۷۴.

۴- شکاری، عباس، روان‌شناس تربیتی، دانشگاه کاشان، ۱۳۷۴.

۵- عمید، حسن، فرهنگ عمید.

۶- صفدری، رضا، مهدی قلی، رامین - عزیز،

انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران

واحد انتشارات

نشریه پیوند

پیوندمان را با نشریه پیوند بیشتر کنیم.

پیوند حاصل دیدگاههای تربیتی جمعی از استادان و صاحب نظران تعلیم و تربیت و مربیان مجرب کشور است.

پیوند با بهره گیری از تعالیم عالیة مکتب اسلام، حاوی مهمترین مباحث آموزشی، روشهای تربیتی و یافته های روان شناسی و علوم تربیتی است.

برای اینکه همراه پیوند تقدیم حضورتان شود، لطفاً فرم اشتراک زیر را تکمیل کنید و به دفتر نشریه پیوند ارسال فرمایید.

فرم اشتراک مجله آموزشی - تربیتی پیوند



تهران، بهار ۱۳۸۵ - شماره ۱

شغل:

میزان تحصیلات:

نام و نام خانوادگی:

لطفاً نشانی خود را به طور کامل و بدون غلط با ذکر شماره پلاک و کدپستی مرقوم دارید.

استان: شهر: خیابان: انسانی و مطالعات تربیتی

کدپستی: تلفن: آیا قبلاً مشترک بوده اید؟

به چه نام و نشانی: شماره اشتراک:

لطفاً مبلغ ۶۵۰۰ ریال برای اشتراک یک ساله، به حساب جاری شماره ۲۳۸۸/۱ بانک ملت - شعبه شماره ۶۳۱۸/۰ - خیابان کیوان - خیابان طالقانی - انتشارات انجمن اولیاء و مربیان - مجله پیوند واریز فرمایید و اصل فیش را همراه با این برگ به نشانی: تهران - خیابان انقلاب اسلامی - خیابان فخررازی - نبش سزاوار - شماره ۷۴ - دفتر مجله پیوند و یا صندوق پستی: ۱۶۳۷ - ۱۳۱۸۵ ارسال کنید.

تلفن دفتر مجله: ۶۴۰۷۱۱۶ - ۶۴۶۸۷۷۰

*در صورت تغییر نشانی، سریعاً دفتر مجله را مطلع فرمایید.

*لطفاً فتوکپی فیش بانکی را تا پایان اشتراک یک ساله نزد خود نگاه دارید.

